

## بسم الله الرحمن الرحيم<sup>۱</sup>

### نکته دوم از مطلب اول: مفهوم تقلید در اصطلاح

نکته دوم از مطلب اول در مورد مفهوم تقلید در اصطلاح بود که تقلید یعنی چه؟ اشاره کردیم دو گرایش مهم است که تقلید عمل بر طبق فتوای غیر است یا به مقدمات عمل هم تقلید گفته می‌شود. با این نگاه پنج یا شش تعریف را فقهاء هم در فقه و هم در اصول برای تقلید ذکر کرده‌اند.

قبل از اشاره به این انظار مقدمه کوتاهی بیان می‌کنیم:

**مقدمه:** مبحث تقلید و شناخت ماهیتش حداقل در چهار مورد در فقه ثمرات و آثاری دارد:

**مورد اول:** علما می‌گویند تقلید مصحح عمل است و عمل بدون تقلید باطل است.

**مورد دوم:** در بحث بقاء بر تقلید میت، زید مقلد مرجعی بوده که از دنیا رفته، می‌خواهد به فتوای عالم حی، بقاء بر تقلید داشته باشد، محدوده تقلیدش کجا بوده که حالا باقی بر تقلید باشد؟ مسائلی که عمل کرده یا مسائلی که یاد گرفته یا مسائلی که قصد داشته عمل کند یا همه مسائل چون رساله مجتهد را گرفته؟ همه اینها به معنای اصطلاحی تقلید بر می‌گردد.

**مورد سوم:** عدول از مجتهد حی به مجتهد دیگر در بعضی موارد واجب است، در بعضی موارد حرام است و در بعضی موارد جایز است. این مسأله با مفهوم تقلید ارتباط دارد که اشاره خواهیم کرد.

**مورد چهارم:** زیاد برای عوام اتفاق می‌افتد که چندین سال بدون توجه به تقلید اعمال عبادی‌اش را انجام داده تکلیف این اعمال چیست؟ در بعضی از صور برمی‌گردد به مفهوم اصطلاحی تقلید.

حداقل در این چهار مورد است که مفهوم اصطلاحی تقلید باید روشن شود که در این چهار مورد آثاری دارد.

### اقوال و انظار علما در مورد مفهوم تقلید

**قول اول:** گفته می‌شود تقلید «هو العمل علی طبق فتوی المجتهد و قوله و رأیه» اگر عمل انسان مطابق بود با فتوای مجتهد، تقلید صدق می‌کند هر چند من قصد تقلید هم نداشته باشم، مجتهدی است نماز جمعه را واجب نمی‌داند، تسبیح واحد را در دو رکعت اخیر نماز چهار رکعتی کافی می‌داند. زید در طول عمرش نماز جمعه نخوانده و در دو رکعت اخیر نمازهای چهار رکعتی تسبیح واحد هم گفته است، همین که عمل کرده است بر طبق فتوای او صدق می‌کند مقلد اوست هر چند قصد هم نداشته است. پس تقلید «هو مطابقة العمل لفتوی المجتهد و لو لم يعلم بالتطابق». که از عبارات برخی از علما مثل **علامه حلی**، **صاحب معالم**، **صاحب قوانین** این معنا روشن می‌شود.

عبارت **محقق نائینی** این است: «لا إشکال فی تحقیقه بالعمل بفتاوه»<sup>۲</sup> **محقق بروجردي**: «بل هو نفس العمل»<sup>۳</sup>،

کلام **محقق اصفهانی** را در **حاشیه کفایه** مراجعه کنید و ببینید تقلید را چگونه معنا می‌کنند؟<sup>۴</sup>

**قول دوم:** تقلید «هو العمل علی طبق فتوی الغير مستندا الیه»، عمل کند به فتوای غیر با استناد به او، این می‌شود تقلید و بدون استناد فائده ندارد. چرا بدل نماز ظهر نماز جمعه می‌خوانی؟ می‌گویند فتوای فلانی این است. استناد می‌دهد به فتوای مجتهد، بدون استناد تقلید نیست.

۱ - جلسه ۴۸ - چهارشنبه - ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

۲ - العروة الوثقی (المحشی)، ج ۱، ص: ۱۷.

۳ - العروة الوثقی (المحشی)؛ ج ۱، ص: ۱۶.

۴ - نهاية الدراية في شرح الكفاية (طبع قدیم)، ج ۳، ص: ۴۶۰: «اما الأول فنقول: التقليد مفهومٌ جعل الغير ذا قلادة و منه تقليد الهدى، و هو يناسب العمل استناداً إلى رأي الغير، فانه جعل العمل كالقلادة في رقبته. و أما مجرد التعلم أو أخذ الرسالة أو الالتزام القلبي فلا يكون جعلاً لشيء في رقبه الغير حتى يكون جعله ذا قلادة. و منه تعرف ان مفهومه اللغوي أوفق بالعمل من الأخذ للعمل، ..... فانه بحسب الفرض أول الكلام: من أنه نفس العمل أو الأخذ للعمل، و قد عرفت أن الأنسب بمفهومه هو الأول.» مقرر: ظاهراً ایشان تقلید را به معنای عمل می‌گیرند.

عبارت **مرحوم شیرازی در عروه الوثقی محشی**: «و كونه العمل عن استناد لا يخلو من قوة»<sup>۵</sup>. **محقق حائری**: «بل لا يبعد كون التقليد عبارة عن متابعة المجتهد في العمل بأن يكون معتمداً على رأيه في العمل»<sup>۶</sup>. **امام خمینی**: «هو العمل مستنداً إلى فتوى المجتهد»<sup>۷</sup>.

**قول سوم**: گفته شده تقلید «اخذ فتوى الغير للعمل بها»، بعضی از مقدمات عمل هم اسمش تقلید است، گفته شده تقلید یعنی فتوای غیر را به دست بیاورد به قصد اینکه عمل کند، هر چند هنوز عمل نکرده باشد ولی تقلید صدق می‌کند، **صاحب فصول**، **محقق خراسانی**<sup>۸</sup> و **شیخ انصاری** ظاهراً نظرشان همین قول سوم است. **محقق گلپایگانی** با صراحت می‌فرماید «و الظاهر أنه يتحقق بأخذ فتوى المجتهد للعمل به، و إن لم يعمل بعد»<sup>۹</sup>.

**قول چهارم**: تقلید «هو الالتزام بالعمل بقول مجتهد معين و ان لم يعمل به بعد و لم يأخذ فتواه» تقلید التزام است، یک امر قلبی است، همین که ملتزم شد عمل کند به فتوای یک مجتهد، صدق می‌کند مقلد است هر چند عمل نکرده باشد و هر چند فتوای او را نگرفته باشد، بنابر نظر چهارم تقلید یک امر قلبی و یک قصد و یک نیت و یک التزام شد. مبرز (و آشکار کننده) آن اخذ رساله است.

**صاحب عروه**، **محقق شاهرودی** و **کاشف الغطاء** نظرشان این است که «يكفى الالتزام بالعمل بفتاويه، فإن التقليد كالبيعة والعهد يتحقق بإنشاء الالتزام»<sup>۱۰</sup>.

در مقابل این قول چهارم قائلین به سه قول اول چنین می‌گویند مثل **محقق بروجردی**: «التقليد نفس العمل و لامدخليه للالتزام في شيء من الاحكام». مثل این است که من قصد کنم نماز بخوانم اما نخوانم اینکه فائده ندارد. پس **محقق بروجردی** می‌فرماید اینکه قصد کند تقلید کند که تقلید نیست.

**امام خمینی**: «و لا يكون مجرد الالتزام و الأخذ للعمل محققاً له» **امام خمینی** قول سوم و چهارم را نقد می‌کنند و می‌گویند مجرد التزام محقق تقلید نیست، این قول چهارم بود. قول سوم این است که اخذ کند فتوای مجتهد را برای عمل، **امام خمینی** می‌فرماید اخذ هم محقق تقلید نیست.

**محقق نائینی**: «أما الالتزام و عقد القلب و أخذ الرسالة و نحو ذلك فالأقوى عدم تحققه بشيء من ذلك»<sup>۱۱</sup>. قبل از اینکه به قول دیگر اشاره کنیم یک ثمره را در بحث بقاء بر تقلید میت جوازاً یا وجوباً در بعضی از موارد که بعضی از علما می‌گویند «يبقى على تقليد الميت في المسائل التي عمل». اگر می‌خواهد باقی بر تقلید میت باشد باید در مسائلی باشد که عمل کرده، بعضی دیگر می‌گویند «يبقى على تقليد الميت في المسائل التي اخذ و تعلم». لذا مسائلی را که از او یاد گرفته هر چند عمل نکرده می‌تواند باقی بر تقلیدش باشد. یا بعضی دیگر می‌گویند اگر رساله را گرفته و التزام به رساله داشته در همه آن می‌تواند باقی بر تقلید باشد.

۵ - همان.

۶ - همان.

۷ - همان.

۸ - كفاية الأصول (طبع آل البيت)، ص: ۴۷۲: «و هو أخذ قول الغير و رأيه للعمل به في الفروعيات».

۹ - العروة الوثقى (المحشى)؛ ج ۱، ص: ۱۷.

۱۰ - همان.

۱۱ - همان.

قول پنجم: قائل به تفصیل است جالب است در بعضی از ثمرات چهارگانه وقتی می‌خواهند تقلید را معنا کنند می‌گویند «یتحقق بالالتزام» و در بعضی از موارد می‌گویند تقلید به عمل است. **مرحوم آل یاسین:** «الذی یناط به صحّة العمل ابتداءً، أمّا فی البقاء و حرمة العدول فاعتبار العمل فيه لا یخلو عن قوّة»<sup>۱۲</sup>.

**محقق گلپایگانی:** «و الظاهر أنّه یتحقّق بأخذ فتوی المجتهد للعمل به، و إنّ لم یعمل بعد، لكنّ الأولى و الأحوط فی مسأله جواز البقاء علی تقلید المیت الاقتصار علی ما عمل به»<sup>۱۳</sup>. **محقق خوئی:** «بل هو الاستناد إلى فتوی الغير فی العمل، و لكنّه مع ذلك یکفی فی جواز البقاء علی التقليد أو وجوبه، تعلّم الفتوی للعمل و کونه ذاکراً لها»<sup>۱۴</sup>.

قول ششم هم هست حواشی **عروه** را ببینید و ملاحظه کنید.

مطلب سوم خواهد آمد.

---

<sup>۱۲</sup> - همان.

<sup>۱۳</sup> - همان.

<sup>۱۴</sup> - همان.